ویترین
قفسه کتاب
۲۸۴
ضمیمه کتاب | ۱۱ دی ۱۴۰۳ |

دبیر: میثم رشیدی مهرآبادی
صفحه آرا: مجتبی دهقانی
جلد: سپهر سهامی‌فرد
ویرایش عکس: زرناز حسینی
ویراستار: اکبر فکری

همکاران این شماره:
سعیده اسدالهی
منیر حمزه‌ای، مرضیه آبکار
حسین شرفخانلو، زینب گل‌محمدی،
محمدحسن یوسفی
و نازنین‌فاطمه امیرفرجی

شناسنامه
تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
JAMEJAM.NEWS
کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
info@jamejamdaily.ir

تازه‌های نشر

روایتی از شش ماه زندگی «بر دامان آمستردام»

«بر دامان آمستردام» روزنوشت‌های سفری چندماهه به سرزمین دوچرخه و لاله اثری از سنا ثقفی در انتشارات سوره‌مهر به چاپ رسید. این سفرنامه حاصل شش ماه زندگی سنا ثقفی به همراه همسر و دو فرزندش جایی در مرز آمستردام و شهر جدید آمستلفین است. ثقفی که خود از نویسندگان کودک و نوجوان است در فرصت مطالعاتی که برای همسرش مهیا می‌شود، خود را در دامان آمستردام می‌بیند و سفرنامه‌ای قطور از زیستش در این خطه که گاهی شیرین و گاهی هم تلخ است به نگارش درمی‌آورد. راوی در مقدمه سه دلیل برای انتخاب نام کتاب ذکر کرده است: «آمستلفین در نقشه شهری جمع‌وجور و کوچک است که انگار بر دامان آمستردام نشسته باشد؛ درست مثل کودکی نوپا. این اولین وجه تسمیه کتاب است. زندگی شش ماهه ما در هلند در میان خطوط کتاب‌ها گذشت و قصه‌ها و شعرهایی از شاعران هلندی. این وجه تسمیه دوم کتاب است. آمستردام به کانال‌های آبش معروف است؛ کانال‌های پهن زلال و تمیزی که در هر نقطه شهر دیده می‌شود و انعکاس درختان و ساختمان‌ها در آن چشم‌اندازی شگفت‌انگیز به شهر می‌دهد؛ به این کانال‌ها «دَم» یا «دام» می‌گویند. تکرار این عبارت در دامان و آمستردام برای منِ ادبیات‌خوانده ایهام تداعی‌شناس خوشایند است، شما را نمی‌دانم. این وجه تسمیه سوم کتاب است.»

«حمام بالکان» شامل یک رمان و چند داستان کوتاه است. کتاب پیش‌رو به‌طور ویژه به تقاطع تاریخ، فرهنگ و هویت در منطقه بالکان می‌پردازد و داستان‌هایی از زندگی، تقابل تمدن‌ها و میراث معماری این منطقه، ازجمله حمام‌ها و پل‌های تاریخی، روایت می‌کند. نویسنده اثر با نگاهی فلسفی و ادبی به مفاهیمی مانند لذت، رنج و معنویت پرداخته و ارتباط میان گذشته و حال را کاوش می‌کند. این کتاب مناسب علاقه‌مندان به ادبیات جهانی، تاریخ فرهنگی شرق اروپا و داستان‌های فلسفی است؛ در بخش‌هایی که به جهان امروز ارتباط دارند نیز صدای نویسنده را می‌شنویم که علاوه بر تجربیات جهان مدرن، اندیشه‌های را با ما در میان می‌گذارد.

- نویسنده: ولادیسلاو بایاک
- ترجمه: یوسف سهرابی
- انتشارات: امیرکبیر
- قیمت: ۴۵۰ هزار تومان

- نویسنده: ناتاشا دنلیز
- ترجمه: اکرم کرمی
- انتشارات: قدیانی
- قیمت: ۱۵۰هزار تومان

این کتاب به کودکان اعتماد به‌نفس می‌بخشد که از طریق آن، مهارت‌های اجتماعی را در خانه، مدرسه و جامعه به کار می‌گیرند. این فعالیت‌های علمی به کودکان کمک می‌کند تا با یادگیری ابرمهارت‌های اجتماعی از حفظ روند گفت‌وگو گرفته تا مصالحه با دیگران، بتوانند از زندگی شخصی و اجتماعی خود بهره‌ها ببرند و طعم موفقیت و آرامش را بچشند. در این کتاب کودکان یاد می‌گیرند موقعیت‌های زندگی روزمره مانند ارتباط با همسالان و بزرگ‌ترها، تفسیر و به‌کارگیری زبان بدن و درک نشانه‌های اجتماعی را مدیریت کنند. کتاب شامل ۵۰ فعالیت تعاملی مانند انواع بازی‌ها، پرکردن جاهای خالی و فعالیت‌های فکری که به یادگیری و سرگرمی کودکان کمک می‌کند.

به قلم نوجوان

■ چند خط برای «قصه‌های تصویری از هزارویک شب» (علاءالدین و چراغ جادو) به روایت حسین فتاحی

اگر از غول بترسی شکست می‌خوری!

نازنین‌فاطمه امیرفرجی
نوجوان کتابخوان

سلام دوستان عزیزم. امروز می‌خواهم از یک مجموعه ۱۰ جلدی کتابی را به شما معرفی کنم. مجموعه هزارویک شب که آقای حسین فتاحی آن را به زبانی ساده‌تر برای ما بچه‌ها نوشته است. اسم این کتاب «علاءالدین و چراغ جادو» است که ما داستان آن را در کارتون‌ها دیده‌ایم اما در این کتاب بیشتر و بهتر با داستان اصلی آشنا می‌شویم. هر صفحه این کتاب، نقاشی‌های بسیار قشنگی دارد که خواندن داستان و فهمیدنش را خیلی راحت‌تر می‌کند. این نقاشی‌ها را آقای جمشیدی کشیده و این مجموعه ۱۰ جلدی در انتشارات قدیانی چاپ شده است. این کتاب داستان پسری به اسم علاءالدین است که خانواده‌ای فقیر دارد. پدر او خیاط است و خیلی سخت کار می‌کند و پول درمی‌آورد. وقتی پدر علاءالدین می‌میرد، او می‌خواهد به جای پدرش کار کند اما روزی یک جادوگر به شهر آنها می‌آید که می‌داند طلسم چراغ جادو به دست پسری به نام علاءالدین باز می‌شود. او با علاءالدین حرف می‌زند و می‌گوید که یک چراغ جادو دارد که فقط طلسم آن به دست او باز می‌شود. جادوگر به علاءالدین می‌گوید که باید آتشی روشن کند و بعد از زیر خاکستر آن آتش، دری آهنی ظاهر می‌شود که باید آن را باز کند و به یک زیرزمین برود. علاءالدین می‌ترسد، اما جادوگر به او می‌گوید که برای پیداکردن چراغ جادو و ثروتمند شدن باید از پله‌ها پایین برود و با یک غول روبه‌رو شود و اگر از غول بترسد، شکست می‌خورد. بعد باید به راهش ادامه دهد تا به در دیگری برسد که خروسی آنجاست. باید خروس را بکشد و به در سوم برسد. پشت در سوم یک باغ قشنگ است که چراغ جادو آنجاست. جادوگر انگشتر جادویی خودش را به علاءالدین می‌دهد و او راهش را آغاز می‌کند. به نظر شما علاءالدین می‌تواند از این سه در رد شود و چراغ جادو را پیدا کند؟ شما فکر می‌کنید که جادوگر چه نقشه‌ای برای علاءالدین کشیده است؟ این داستان با همه کارتون‌هایی که ما درباره علاءالدین و چراغ جادو دیده‌ایم فرق می‌کند و داستان اصلی هزار و یک شب است. اگر شما هم مثل من به داستان‌های قدیمی علاقه دارید، حتما این کتاب را بخوانید تا با داستان‌های هزار و یک شب آشنا شوید.

فرا مرز

■ نگاهی به رمان «آناکارنینا» نوشته لئو تولستوی به ترجمه سروش حبیبی

«آنا» فقط یک زن نیست

سعیده اسداللهی
منتقد ادبی

به‌گفته ولادیمیر نابوکف، برخی مخاطب‌های لئوتولستوی-یکی از بزرگ‌ترین و خلاق‌ترین نویسندگان روسی-در مواجهه با آثارش، دچار احساسات متضادی می‌شوند. اینها هنر و هنرمند درون او را دوست دارند و از موعظه‌گر وجودش دچار ملال و دلزدگی می‌شوند. با این حال جدا کردن این دو وجه، یعنی تولستوی واعظ از تولستوی هنرمند کار چندان ساده‌ای نیست. مخاطب امروز هیچ پند اخلاقی و آموزشی که حواسش را پرت می‌کند، نمی‌پذیرد اما هنر تولستوی آنجاست که چه به وقت هنرنمایی و چه به وقت موعظه، به‌دنبال حقیقت است. به‌واقع فرآیند جست‌وجوی حقیقت برای او از کشف راحت و زنده تو هم حقیقت که به مدد نبوغش می‌توانست به آن دست یابد، بسیار مهم‌تر بود و همین واقعیت مطلق در رمان‌هایش است که می‌تواند خواننده را بفریبد. مسأله اساسی و ظریف در آثار وی، تطابق زمان است؛ شخصیت‌های تولستوی انگار با همان آهنگی راه می‌روند که رهگذران از زیر پنجره اتاقی که ما در آن نشسته‌ایم و این تعادل زمانی که منحصر و خاص تولستوی است، موجب آن می‌شود که حسی از واقعیت معمول به خواننده منتقل شود. رمان آناکارنینا به لحاظ ساختار و پیرنگ، ساختاری و پیرنگی اخلاقی دارد. آنا شخصیت اصلی این داستان، فقط یک زن نیست؛ او زنی خوش‌سیماست که سرشت اخلاقی کامل و محکمی دارد و همه چیز درباره شخصیت او برجسته و چشمگیر است. آنا در جوانی به‌واسطه عمه‌اش با یکی از مقامات ارشد دولتی ازدواج می‌کند. او شیفته پسرش است و از زندگی اشرافی و پرجنب‌وجوشش لذت می‌برد. آنا در سفری به مسکو با ورونسکی ملاقات می‌کند و دل به او می‌بازد. شخصیت برجسته آنا در عشق او نیز صدق می‌کند. او اهل پنهانکاری و محافظه‌کاری نیست؛ همه چیز را رها می‌کند و از دست می‌دهد، حتی فرزندش را که ندیدنش برای او عذابی بزرگ است. آنا و ورونسکی به ایتالیا فرار می‌کنند و بعد از آن به روسیه مرکزی برمی‌گردند. حالا رابطه آنها آشکار و علنی شده و آنا به‌عنوان زنی بی‌اخلاق شناخته می‌شود. در نهایت آن دو به زندگی شهری باز می‌گردند و مصائب آنا شروع می‌شود. موازی با این داستان، خرده‌روایت‌های دیگری به شکلی مستقل در جریان رمان پیش می‌روند.

به‌واقع این رمان دوجلدی یکی از بزرگ‌ترین داستان‌های جهان با ایده عشق است که سخت دربند مسائل اخلاقی بوده که نتیجه آن قطعا همان نتیجه سطحی و تاوان آنا نیست. پس پیام اخلاقی که تولستوی در رمانش مطرح کرده، چیست؟